



Identifying the Factors Influencing the Parenting Role of Instagram Mommy Bloggers in the Upbringing and Academic Performance of Students

Mohammad Khoshehdar^{1*} | Alireza Mohammadi²

1. Master of Cultural and Media Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: m.khoushedar@gmail.com
2. Master of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: alireza.mim118@gmail.com

Volume info

Vol. 33
Series: 69
Winter 2025

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
19 October 2024

Revised:
26 April 2025

Accepted:
27 April 2025

Published:
22 November 2025

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857

E-ISSN: 2821-1685



Abstract

In recent years, the use of social media, particularly Instagram, has significantly increased as an influential factor for "mommy bloggers." This study aims to identify the factors affecting the parenting role of Instagram bloggers in the upbringing and academic performance of their children. The research was conducted using the Grounded Theory method based on the Corbin and Strauss (1990) approach. For data collection, in-depth interviews were conducted with 14 mommy bloggers selected through snowball sampling. The inclusion criteria for the study were: a minimum of three years of blogging experience, having over 10,000 followers on Instagram, and having at least one school-aged child under the age of 10. Data collection continued until theoretical saturation was reached, and the coding process was performed in three stages: open, axial, and selective coding. The findings revealed that causal factors (such as follower expectations, social and time pressures, and the need for financial improvement), intervening factors (such as social support, the mother's personality traits, and family culture), and contextual factors (including economic conditions, platform rules and regulations, local cultural conditions, and societal expectations of the maternal role) play a significant role in explaining the core phenomenon of the research. The blogging activities of mothers can have both positive and negative impacts on their parenting roles and their children's upbringing. To better leverage these opportunities and mitigate challenges, strategies such as time management, division of responsibilities, and establishing work-life boundaries should be given greater consideration.

Keywords: Instagram, Mommy Bloggers, Grounded Theory, Parenting.

Cite this Paper: Khoshehdar M, Mohammadi A. (2026). Identifying the Factors Influencing the Parenting Role of Instagram Mommy Bloggers in the Upbringing and Academic Performance of Students. *Research in Islamic Education Issues*. 33(69), 91-125



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



تحديد العوامل المؤثرة على دور الأمهات المؤثرات في انستغرام في تربية الأبناء وأدائهم الدراسي

محمد خوشه دار^{*١} | عليرضا محمدى^٢

١. ماجستير في الدراسات الثقافية والإعلامية، جامعة الإمام الحسين (عليه السلام)، طهران، إيران

Email: m.khoushedar@gmail.com

٢. ماجستير في الإرشاد النفسي، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة طهران، طهران، إيران

Email: alireza.mim118@gmail.com

المُلخَص

في السنوات الأخيرة، تزايد استخدام شبكات التواصل الاجتماعي، وخاصة انستغرام، بشكل ملحوظ كعامل مؤثر للأمهات المؤثرات (البلوغرز). هدفت هذه الدراسة إلى تحديد العوامل المؤثرة على دور الأمهات المؤثرات في انستغرام في تربية أبنائهن وأدائهم الدراسي. تم إجراء هذا البحث باستخدام منهجية النظرية المجذرة (Grounded Theory) بناءً على منهج كوربين وشتراوس (١٩٩٠). لجمع البيانات، أجريت مقابلات متعمقة مع ١٤ أمًا مؤثرة تم اختيارهن بطريقة العينة الكروية (Snowball Sampling) تضمنت شروط الدخول في هذه الدراسة أن تمتلك الأم خبرة لا تقل عن ثلاث سنوات في مجال التأثير الرقمي، وأن يكون لديها أكثر من ١٠ آلاف متابع على انستغرام، وأن يكون لديها طفل واحد على الأقل في سن الدراسة تحت سن العاشرة. تم جمع البيانات حتى الوصول إلى التشبع النظري، وتمت عملية الترميز في ثلاث مراحل: الترميز المفتوح (Open Coding)، والترميز المحوري (Axial Coding)، والترميز الانتقائي (Selective Coding). أظهرت النتائج أن العوامل السببية (Causal Factors) مثل توقعات المتابعين، والضغط الاجتماعي والزمينية، والحاجة إلى تحسين الوضع المالي، والعوامل المتدخلية (Intervening Factors) مثل الدعم الاجتماعي، وخصائص شخصية الأم، وثقافة العائلة، والعوامل الظرفية (Contextual Factors) التي تشمل الظروف الاقتصادية، والقوانين واللوائح الخاصة بالمنصات، والظروف الثقافية لمكان الإقامة، والتوقعات الاجتماعية لدور الأم، كلها تلعب دوراً في تفسير المفهوم الرئيسي للبحث. يمكن أن يكون لنشاط الأمهات المؤثرات آثار إيجابية وسلبية على دورهن في الأبوة وتربية الأبناء. من أجل الاستفادة بشكل أفضل من هذه الفرص وتقليل التحديات، يجب إيلاء المزيد من الاهتمام للاستراتيجيات مثل إدارة الوقت، وتقسيم المسؤوليات، وتحديد الحدود المهنية.

الكلمات المفتاحية: انستغرام، الأمهات المؤثرات، النظرية المجذرة، الأبوة (الوالدية).

السنة والرقم

المجلد: ٣٣

شأن ١٤٤٧

ورقة البحث

تاريخ المقالة

تاريخ الاستلام: ١٦ ربيع الثاني ١٤٤٦

تاريخ المراجعة: ٢٧ شوال ١٤٤٦

تاريخ المقبول: ٢٨ شوال ١٤٤٦

تاريخ النشر: ٠١ جمادى الثاني ١٤٤٧

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857

E-ISSN: 2821-1685



استناد: خوشه دار، محمد؛ محمدى، عليرضا. (١٤٠٤). تبيين أسس وأهداف ومبادئ التربية الولاية من وجهة نظر العلامة

الطباطبائي؛ مجلة العمى البحث في قضايا التربية الاسلامية؛ ٣٣(٦٩): ٩١-١٢٥.

©
المؤلفون

الناشر: الجامعة الامام الحسين(ع)



OPEN ACCESS



تعیین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری مادران بلاگر اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان

محمد خوشه‌دار^{۱*} | علیرضا محمدی^۲

۱. کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران

Email: m.khoushedar@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: alireza.mim118@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه اینستاگرام به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار برای مادران بلاگر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این مطالعه باهدف تعیین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندان خود انجام شده است. این پژوهش با استفاده از روش نظریه‌ی داده‌بنیاد بر اساس رویکرد کوربین و اشتراوس (۱۹۹۰) انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های عمیقی با ۱۴ مادر بلاگر که به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند، صورت گرفت. شرط ورود به این مطالعه، داشتن حداقل سه سال سابقه فعالیت بلاگری، داشتن بیش از ۱۰ هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام، و داشتن یک فرزند دانش‌آموز زیر ۱۰ سال بود. داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری جمع‌آوری شد و فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت.

یافته‌ها نشان داد که عوامل علی همچون انتظارات دنبال‌کنندگان، فشارهای اجتماعی و زمانی، و نیاز به بهبود وضعیت مالی، عوامل مداخله‌گر مانند حمایت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی مادر و فرهنگ خانواده، عوامل زمینه‌ای شامل شرایط اقتصادی، قوانین و مقررات پلتفرم‌ها، شرایط فرهنگی محل زندگی و انتظارات اجتماعی از نقش مادر، در تبیین مفهوم اصلی تحقیق نقش دارند.

فعالیت بلاگری مادران می‌تواند هم اثرات مثبت و هم منفی بر نقش والدگری و تربیت فرزندان داشته باشد. به منظور بهره‌برداری بهتر از این فرصت‌ها و کاهش چالش‌ها، راهکارهایی مانند مدیریت زمان، تقسیم مسئولیت‌ها، و تعیین مرزهای کاری باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اینستاگرام، مادران بلاگر، نظریه داده‌بنیاد، والدگری.

سال و شماره

سال ۳۳، پیاپی: ۶۹
زمستان ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



استناد: خوشه‌دار، محمد؛ محمدی، علیرضا. (۱۴۰۴). تعیین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری مادران بلاگر اینستاگرام در تربیت و

عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۳۳(۶۹): ۹۱-۱۲۵.



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه

ظهور اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به گروه جدیدی از افراد این امکان را داده است که ایده‌آل‌ها و ادراکات عمومی دیگران را شکل دهند. به این افراد "تأثیرگذاران رسانه‌های اجتماعی" یا اینفلوئنسر^۱ گفته می‌شود. به عقیده (فربرگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۹۱) "اینفلوئنسرهای رسانه‌های اجتماعی (SMIs)^۳ نوع جدیدی از تأثیرگذاران مستقل هستند که نگرش مخاطبان را از طریق وبلاگ‌ها، توییت‌ها و استفاده از سایر رسانه‌های اجتماعی شکل می‌دهند". با افزایش تعداد این تأثیرگذاران، انواع مختلفی از آنها نیز ظهور کرده‌اند، از جمله وبلاگ‌نویسان^۴ مادرانه و تأثیرگذاران حوزه مسائل مادری و فرزندپروری که درباره تجربیات و باورهای خود در زمینه مادری می‌نویسند. بسیاری از این بلاگرها و تأثیرگذاران مادرانه، افرادی هستند که به‌تازگی و برای اولین بار مادر شده‌اند (تامپسون^۵، ۲۰۰۷: ۶) و اغلب از طریق روایت تجربیات بارداری و مادری به شهرت می‌رسند (لوپز^۶، ۲۰۰۹: ۷۳۲).

با این وجود اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی نگرانی‌هایی را درباره حریم خصوصی، به‌ویژه در زمینه اشتراک‌گذاری تصاویر کودکان، به وجود آورده‌اند (بکستر و زارنگا^۷، ۲۰۲۵: ۲). همچنین بسیاری از والدین برای دریافت نکات و ترفندهای مرتبط با والدگری به منابع آنلاین مراجعه می‌کنند که این امر باعث نگرانی متخصصان بهداشت درباره کیفیت اطلاعات سلامتی موجود در اینترنت شده است. با این حال، مادران ارزش زیادی برای اطلاعاتی که از منابع آنلاین و جوامع دریافت می‌کنند، قائل هستند و به‌ویژه به اطلاعات مبتنی بر تجربه شخصی مادران بلاگر، توجه بیشتری دارند (ژی و همکاران^۸، ۲۰۲۱: ۵۱). به همین دلیل، ممکن است مادران به اطلاعاتی که توسط وبلاگ‌نویسان و تأثیرگذاران مادری به اشتراک گذاشته می‌شود، ارزش زیادی بدهند، زیرا این

1. Influencer
2. Ferberg
3. Social Media Influencers
4. Bloggers
۵. Thompson
۶. Lopez
۷. Baxter and Zarenga
8. Zhi

اطلاعات بر اساس تجربیات شخصی و واقعی شخص بلاگر بوده است (جرمیک^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱). درحالی که بلاگری مادرانه می‌تواند اشکال متنوعی داشته باشد، دو نوع متفاوت از ایده‌آل‌های مادری در مطالعات شناخته شده است. نخست، نوعی از مادری که به "جنگ‌های مادری" اشاره دارد؛ جنگ‌هایی که در آن مادران برای بهترین بودن با یکدیگر رقابت می‌کنند (ابتز و مور، ۲۰۱۸: ۲۷۲).

در مقابل، دسته‌ای از وبلاگ‌نویسان و تأثیرگذاران مادری هستند که تصویری واقعی‌تر از مادری را به نمایش می‌گذارند. این نوع بلاگری کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است، اما برخی محققان معتقدند که نمایش واقع‌بینانه‌تر مادری به صورت آنلاین یک اقدام فمینیستی^۲ و قدرت‌بخش است، چرا که زنان با این ایده‌آل مبارزه می‌کنند که مادران باید هم در والدگری و هم به عنوان یک فرد، کامل باشند (چن، ۲۰۱۳: ۵۱۳). وقتی مادران بلاگر نسخه واقعی و ویرایش نشده‌ای از تجربیاتشان را به اشتراک می‌گذارند، نشان می‌دهند که آسیب‌پذیری و به اشتراک گذاشتن چالش‌هایشان امری پذیرفتنی برای آنها است (جرمیک^۳ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳).

این نمایش واقع‌بینانه و قدرت‌بخش از مادری، به شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در والدگری آنلاین منجر شده است که یکی از آنها مفهوم شیرتینگ^۴ است.

این کلمه ترکیبی از کلمات انگلیسی «اشتراک‌گذاری»^۵ و «والدگری»^۶، به معنای «اشتراک‌گذاری عکس کودکان در رسانه‌های اجتماعی توسط والدین» است. مفهومی که امروزه بسیار بحث‌برانگیز است و می‌تواند بر رفتار مادر و فرزند در آینده تأثیر بگذارد (سیمک^۷ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۶۲). این نوع والدگری امروزه به یک کار تمام‌وقت حرفه‌ای در رسانه‌های اجتماعی تبدیل شده است (نادانیووا و داس، ۲۰۲۰: ۱۲۵ / سینگ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲)، تا آنجا که مادران

۱. Jeremiic

۲. Feminist

۳. Jeremiic

۴. Sharenting

۵. Share

۶. Parenting

۷. Simak

بلاگر در یوتیوب و اینستاگرام که امروزه به‌عنوان گونه‌شناسی جدید والدگری ظهور کرده‌اند، موضوع بحث‌های جاری در مورد حریم خصوصی و حقوق کودکان شده‌اند. این وضعیت در رابطه با اشتراک‌گذاری اطلاعات آنلاین، داستان‌ها، ویدئوها یا عکس‌های مربوط به فرزندان توسط والدین مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحقیقات نشان داده است که برخی از کودکان و نوجوانان وقتی که شیرتینگ تصویری مثبتی از آنها ارائه می‌دهد، به آن افتخار می‌کنند. باین حال، زمانی که محتوای منتشرشده را شرم‌آور، نامناسب یا ظاهر فیزیکی خود یا متناقض با مدیریت تصویر خود می‌دانند، از آن دلخور می‌شوند و خواستار کنترل بر حریم خصوصی خود هستند (لیپو و سیباک^۱، ۲۰۱۹: ۶۲/ اوورین و ورسویول^۲، ۲۰۱۹: ۳۲۰). چنین دیدگاهی باعث می‌شود تا نیاز به تحقیقات در خصوص روابط والد - فرزند در خانواده‌هایی با مادر بلاگر بیش‌ازپیش احساس شود.

از آنجایی که محیط دیجیتال بسیار تجاری شده است، شیرتینگ به‌عنوان روایت‌های شخصی و ارتباطات بین فردی، عمدتاً به شکل «بسیار پر بارتر، عمدی‌تر و تجاری‌تر» تبدیل شده است (آبیدین^۳، ۲۰۱۵: ۱). کسب سود مالی به یک هدف برای بسیاری از والدین (به‌ویژه مادران) تبدیل شده است که از طیف وسیعی از شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد محتوا، جذب دنبال‌کنندگان، همکاری با برندها و تبلیغ برندهای دیجیتال خود استفاده می‌کنند (کانینگهام و کریگ^۴، ۲۰۱۷: ۷۵) که مرتبط با فعالیت‌های والدگری در یک بازار عمومی کالاها و خدمات است (جورگه^۵ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۷۲)؛ بنابراین نقش بلاگری به‌ویژه در میان مادران به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است و این پدیده نه تنها بر زندگی شخصی آن‌ها بلکه بر نقش والدگری و تربیت فرزندانشان نیز تأثیر دارد. این تحقیق به دنبال پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهشی در این حوزه است و می‌تواند به شناخت بهتر ارتباط بین حرفه بلاگری و اثرات آن بر والدگری و تربیت فرزندان کمک کند. با درک بهتر این عوامل، می‌توان به والدین و نهادهای اجتماعی کمک کرد تا از این فرصت‌های

۱. Lipo & Seabuck

۲. O'Reilly & Verswell.

۳. Abidin

۴. Cunningham and Craig

۵. Jörge

جدید به منظور بهبود تجربه والدگری استفاده کنند. تحقیقات در این حوزه می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌هایی که بلاگرهای مادر با آن‌ها مواجه هستند و تأثیر آن‌ها بر تربیت فرزندان خود منجر شود. این مطالعه می‌تواند به ایجاد منابع و راهکارهایی کمک کند که والدین را در استفاده از فضای دیجیتال برای بهبود تعاملات والدگری و تربیت فرزندان یاری رساند.

مبانی نظری

کودکانی که امروزه در محیط‌های اشتراکی آنلاین بزرگ می‌شوند، مطمئناً تحت تأثیر تعاملات عمومی قرار خواهند گرفت که سرپرست آن‌ها در مورد هویتشان به تصویر می‌کشد. اشتراک‌گذاری بیش از حد لحظات کودکی، هویت دیجیتالی تعدیل شده‌ای را در کودک ایجاد می‌کند. اشتراک‌گذاری یا شیرتینگ (دیویدسون-وال،^۱ ۲۰۱۸: ۲)، چشم‌انداز جدید در فرزندپروری، می‌تواند باعث شود والدین از خطرات پنهان فضای مجازی غافل شوند، حتی اگر فکر کنند که فرزندان خود را ایمن نگه می‌دارند (دایر،^۲ ۲۰۱۸: ۲). به دنبال روند شیرتینگ، والدین بلاگر، تقریباً هر لحظه از فرزندان خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. بدون شک، بسیاری از کودکانی که امروزه بزرگ می‌شوند، این شانس را خواهند داشت که از طریق رسانه‌های اجتماعی بیستد که زندگی آنها چگونه تکامل یافته است. باین‌حال، احساس کودکان زمانی که می‌بینند زندگی شخصی آنها به‌صورت آنلاین توسط والدینشان به اشتراک گذاشته شده است هنوز ناشناخته است (موسر^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۵۲۲۲)؛ بنابراین خانواده‌ها باید به‌طور کامل در مورد مزایا و معایب شیرتینگ مطلع شوند (اوترو،^۴ ۲۰۱۷: ۴۱۲/ یگان و موندال، ۲۰۲۱: ۲۱۷).

اصطلاح «مام‌پرنور»^۵ در سال‌های اخیر برای توصیف زنانی به کار می‌رود که هم‌زمان با پرورش فرزندان، یک کسب‌وکار را اداره می‌کنند (اکیسمیس،^۱ ۲۰۱۴: ۱۲۳۵). یکی از گروه‌های

۱. Davidson-Wall

۲. Dayer

۳. Moser

۴. Otero

۵. Mumpreneurs

مام‌پرنور، مادران بلاگر^۲ در رسانه‌های اجتماعی یا وبلاگ‌نویسان مادر هستند. هر دو اصطلاح «مام‌پرنور» و «وبلاگ‌نویس مادر» اصطلاحاتی بحث‌برانگیز هستند که برخی زنان آن‌ها را می‌پذیرند و برخی دیگر آن‌ها را توهین‌آمیز می‌دانند (وب و لی،^۳ ۲۰۱۱: ۲۴۳/لوپز،^۴ ۲۰۰۹: ۷۳۴). به‌عنوان مثال (چن،^۵ ۲۰۱۳: ۵۱۵) در نقد اصطلاح وبلاگ‌نویس مادرانه یا مادران بلاگر، آن را یک مفهوم ایدئولوژیک دانسته و معتقد است که این اصطلاح بی‌طرفانه نیست؛ زیرا نقش زنان به‌عنوان پرورش‌دهنده را تقویت می‌کند و زنانی که درباره فرزندانشان وبلاگ می‌نویسند را به‌نوعی "کار دیجیتال" سوق می‌دهد. با توجه به انتظارات متناقض اجتماعی از زنان در مورد نقش‌های حرفه‌ای و مادری، هر دو اصطلاح بار معنایی سنگینی دارند. حتی امروزه استفاده از فرزندان اینفلوئنسرهای «برتر» رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان وسیله‌ای برای «توسعه برند» والدینشان به‌طور گسترده رواج پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، سلبریتی‌هایی مانند ستاره‌های رئالیتی‌شوی خانواده کارداشیان، حساب‌های اینستاگرامی مخصوصی برای فرزندان خود دارند. همچنین والدین تأثیرگذار دیگر (کمتر مشهور) نیز حساب‌های مخصوصی برای فرزندانشان ایجاد و مدیریت می‌کنند، جایی که عکس‌های بامزه‌ای منتشر می‌شود و در برخی موارد برای جذب اسپانسر برای والدین مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصطلاح «میکرو - میکرو سلبریتی» برای اشاره به فرزندان تأثیرگذاران به کار برده می‌شود، جایی که این کودکان خود نیز به تأثیرگذاران آنلاین تبدیل شده‌اند (آرچر،^۶ ۲۰۱۹: ۵۱). با نزدیک شدن سن بلوغ نسل اول کودکانی که والدینشان کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی بودند، اهمیت شناخت جنبه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی این پدیده بیشتر می‌شود که مادران بلاگر چگونه تأثیری بر تربیت و حتی خروجی‌های تحصیلی آنها داشته‌اند. سؤال دیگری که اکنون مطرح است آن است که در فضای آنلاین، مرزهای هویت والدین کجا پایان می‌یابد و هویت کودک از کجا آغاز می‌شود؟ برای مثال، زمانی که از والدین خواسته می‌شود آینده‌ای را تصور

۱. Akinsemis
۲. Mum/Mommy blogger
۳. Webb & Lee
۴. Lopez
۵. Chen
۶. Archer

کنند که در آن فرزندشان آن‌ها را بابت شیوه‌های اشتراک‌گذاری‌شان مورد مؤاخذه قرار می‌دهد، این تصور به معنای آن است که والدین اطلاعاتی را به اشتراک گذاشته‌اند که به شخص دیگری تعلق دارد. با این حال، از اولین سونوگرافی به بعد، والدین تشویق می‌شوند که تصاویر و داستان‌هایی از تجربه والدگری خود به اشتراک بگذارند. تنش‌های مشابهی در ارتباط با حفظ حریم خصوصی در عصر دیجیتال پدیدار می‌شود: آیا اشتراک‌گذاری عمومی تصویر یک کودک نقض حریم خصوصی آن کودک است؟ آیا یک کودک می‌تواند و باید حق حفظ حریم خصوصی یا استقلال خود از والدینش را مطالبه کند، و در چه مرحله‌ای یک والد باید این انتقال کنترل را در نظر بگیرد (بارتولت^۱، ۲۰۱۱: ۸۷/بloomرز و لیوینگستون^۲، ۲۰۱۷: ۷۹).

پیشینه پژوهش

تحقیقات نشان داده که بسیاری از مادران بلاگر و تأثیرگذاران مادر (mommy bloggers و mommy influencers) به عنوان یک واکنش متقابل نسبت به نمایش‌های سنتی از مادری ایده‌آل در رسانه‌های مختلف، شروع به وبلاگ‌نویسی کردند (زاپاویگنا^۳، ۲۰۱۶: ۲۷۶). رسانه‌های جمعی سابقه‌ای طولانی در بازنمایی ایده «مادر کامل» دارند و به مخاطبان این تصور را می‌دهند که باید این تصویر را تجسم کنند. این مادران کامل در سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، مجلات و تبلیغات به عنوان «مادران آلفا» شناخته می‌شوند و نمایانگر مادرانی سفیدپوست، از طبقه بالای متوسط، مستقل و شایسته هستند که بین شغل و خانه خود تعادلی ایده‌آل برقرار کرده‌اند. آن‌ها در هر دو نقش مادر بودن و شاغل بودن کامل هستند و وقت و انرژی زیادی برای سرمایه‌گذاری در هر دو دارند (هاپر^۴، ۲۰۱۴: ۳۹/جرمیک^۵ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳). این بازنمایی همگن مشکل‌ساز است، زیرا مادری، تجربه‌ای یکسان برای همه نیست. مادری برای زنان مختلف معانی متفاوتی دارد. عناصری مانند نژاد، طبقه، گرایش جنسی و فرهنگ، معنای مادری را شکل می‌دهند، اما تا

۱. Bartolet

۲. Bloomrose and Livingstone

۳. Zapavigna

۴. Hopper

۵. Jeremiic

حد زیادی در رسانه‌های عمومی سنتی نادیده گرفته می‌شوند (بارنت^۱، ۲۰۰۶: ۴۱۳). در مقابل، اولین وبلاگ‌نویسان و تأثیرگذاران مادر تلاش کردند تا مادری واقعی را به تصویر بکشند، از جمله مشکلات، دردها و سختی‌های روزمره. اصالت و تنوع در روایت‌هایی که آن‌ها می‌خواستند ارائه دهند، به سرعت مرکز توجه تبدیل شد (لوپز^۲، ۲۰۰۹: ۷۳۴-۷۳۵). به دلیل محبوبیت و رویکرد شخصی این وبلاگ‌نویسان مادر، آن‌ها به تدریج توجه برندها و بازاریابان را به خود جلب کردند (اوورین^۳، ۲۰۲۴: ۲۲۹۸).

یکی از نکات مهم در تحقیقات قبلی اشاره به نیاز به حمایت اجتماعی از طریق فعالیت در رسانه اجتماعی توسط مادران است. حمایت اجتماعی از والدین جدید با بهبود سلامت مادران، رضایت از روابط، نتایج بهتر برای کودکان و تعاملات والدین و کودک ارتباط دارد (مادوس^۴، ۲۰۱۱: ۱۸۵/سال‌ملا آرو^۵ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳۱). یکی از روش‌هایی که مادران جدید می‌توانند برای مدیریت و مقابله با مسئولیت‌های جدید خود حمایت دریافت کنند، از طریق ارتباطات اجتماعی ارائه شده توسط اشکال جدید رسانه‌ها است (مک‌دنیل^۶ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۵۱۱). ادعاهای مختلفی در مورد تأثیر اینترنت بر مادران وجود دارد. برخی ادعا می‌کنند که اینترنت می‌تواند از طریق جوامع آنلاین و تبادل اطلاعات، زنان را توانمند کند (هال و ایروین^۷، ۲۰۰۹: ۱۷۸). باین حال، دیگر محققان ادعا می‌کنند که اینترنت تنها هنجارهای زنانگی و مصرف‌گرایی را تأیید می‌کند (پیتس^۸، ۲۰۰۴: ۳۶) که ممکن است بر احساسات مادران در مورد استرس ناشی از فرزندپروری، شایستگی و سازگاری آن‌ها با این انتقال تأثیر منفی بگذارد. علاوه بر افزایش احساس ارتباط برای مادران جدید، مشارکت در رسانه‌های اجتماعی ممکن است به طور غیرمستقیم بر استرس مادر تأثیر بگذارد که ممکن است بر افسردگی، کیفیت زناشویی و عملکرد خانواده تأثیرگذار باشد. تحقیقات

۱. Barnett

۲. Lopez

۳. O'Reilly

۴. Madhos

۵. Salmela

۶. McDaniel

۷. Hal and Irvine

۸. Pitts

قبلی نشان داده است که حمایت اجتماعی می‌تواند استرس‌های فرزندپروری را کاهش دهد (مک‌دنیل و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۵۱۰).

محققان دریافته‌اند که کلید وبلاگ‌نویسی مادرانه، تشکیل یک جامعه شخصی و نمایش "خود" است، به طوری که به زنان اجازه می‌دهد بین خودشان و نقش مادری‌شان تنش‌ها را مدیریت کنند (گیسون و هانسون^۱، ۲۰۱۳: ۳۱۸). بلاگری همچنین ممکن است به مادران کمک کند تا صمیمیت بین خود، فرزندان و همسرانشان را حفظ کنند (ژانگ^۲، ۲۰۱۱: ۲۶۸) و بهبود رفاه مادران جدید و تصورات آن‌ها از حمایت اجتماعی را تسهیل کند (مک‌دنیل و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۵۱۱).

محققین به خطر دیگری در شبکه‌های اجتماعی اشاره کردند، خطر فریب خوردن. محققین بیان داشته‌اند که اطلاعات شخصی و عکس‌های کودکان نباید به اشتراک گذاشته شود و والدین باید «الگوی خانواده ژاپنی» باشند که در آن حریم خصوصی در خط مقدم است. زیرا انتشار خصوصی راه را برای سوءاستفاده باز می‌کند. در جامعه ژاپنی که خانواده به عنوان مبنای موفقیت و شکست در زندگی اجتماعی تلقی می‌شود، خانواده پدیده‌ای است که زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و بر آن مسلط است. در ژاپن حتی در روابط مدیریتی و صنعتی نیز الگوی خانواده پذیرفته شده است (یگن و موندال^۳، ۲۰۲۱: ۲۱۵-۲۱۸) و در نتیجه این شیوه تربیتی معتقد است نوع شغل والدین نباید تأثیری در والدگری و تربیت فرزند داشته باشد.

همان‌طور که در بسیاری از پدیده‌ها مشاهده می‌شود، استفاده از شبکه‌های اجتماعی والدین می‌تواند با تبلیغات، دستورالعمل‌های محصول برای بارداری و فرزندپروری نیز مرتبط باشد (لوپتون^۴ و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۳۳). این موارد امروزه به قدری مشهود است که بسیاری از کودکان حتی قبل از صحبت کردن، به شناسه دیجیتالی دست می‌یابند و والدین امروزی نه تنها از طریق فیس‌بوک، اینستاگرام یا وبلاگ برای فرزندان خود زندگی دیجیتالی ایجاد می‌کنند، بلکه زندگی دیجیتال و

۱. Gibson & Hanson

۲. Zhang

۳. Yegen and Mondal

۴. Lipton

آنلاین را نیز برای آنها ایجاد می‌کنند (دامکجار^۱، ۲۰۱۸: ۲۱۰). کودکان خردسال ممکن است تحت تأثیر نظرات والدین خود در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی قرار گیرند، زیرا ممکن است از تأثیر استفاده از آن آگاه نباشند. اگرچه خانواده‌ها با حسن‌نیت چنین عکس‌ها و روزمرگی‌هایی را به اشتراک می‌گذارند، ردپای دیجیتالی ایجاد شده غیرارادی می‌تواند باعث ایجاد نقض حقوق شود (یگن و موندال^۲، ۲۰۲۱: ۲۱۶). "ردپای دیجیتال" تمام آثار انتقال‌یافته به رسانه‌های الکترونیکی را با فشار دادن، کلیک کردن یا لمس کردن صفحه کلید، ماوس یا صفحه‌نمایش مشخص می‌کند. در واقع، تقریباً همه چیز در مورد کاربر در اینترنت ردپای دیجیتالی آنهاست. ردپای دیجیتال می‌تواند بدون رضایت کاربر برای استخراج اطلاعاتی مانند اطلاعات شخصی، دیدگاه‌های مذهبی، دیدگاه‌های سیاسی و خانواده و روابط مورد استفاده قرار گیرد و حریم خصوصی افراد را در معرض حوزه عمومی قرار دهد. والدین می‌توانند ناخواسته حق حریم خصوصی فرزندان خود را زیر پا بگذارند و حتی نقش واسطه‌ای در بهره‌برداری از آن توسط افراد دیگر داشته باشند (یگن و موندال، ۲۰۲۱: ۲۱۵).

بررسی مطالعات قبلی نشان می‌دهد که تحقیقاتی که به بررسی مادران بلاگر پرداخته‌اند، اغلب به جنبه‌های مثبت و منفی این نقش پرداخته‌اند. در این مطالعات، تأثیرات شغل بلاگری بر زندگی شخصی و اجتماعی مادران و همچنین اثر آن بر روابط خانوادگی و نقش والدگری آنان مورد بحث قرار گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که بلاگری می‌تواند به مادران در افزایش خودآگاهی و به اشتراک‌گذاری تجربیات تربیتی کمک کند، اما در عین حال چالش‌هایی همچون استرس، فشارهای اجتماعی و نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی فرزندان نیز از اثرات منفی بلاگری بر فرزندپروری محسوب می‌شوند. با وجود تحقیقات متعدد درباره نتایج و خروجی‌های نقش بلاگری مادران بر فرزندپروری، تاکنون به طور خاص به عوامل مؤثر بر نقش والدگری این بلاگرها و چگونگی تأثیر آن بر تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندانشان توجهی نشده است. این موضوع در حالی است که نقش والدگری بلاگرهای مادر، تحت تأثیر شرایط و ویژگی‌های خاصی قرار دارد که ممکن است در موفقیت تحصیلی و رفتار تربیتی فرزندان نقش داشته باشد. عواملی

۱. Damakjar

۲. Yegen and Mondal

نظیر مدیریت زمان، کنترل هیجانات و ارتباطات دیجیتال با جامعه مخاطب از جمله مواردی است که می‌تواند بر نحوه تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندان این مادران اثر بگذارد. این فقدان تحقیقاتی نشان‌دهنده یک شکاف مهم در مطالعات مرتبط نقش و تأثیر شغل بلاگری بر فرزندپروری است که باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. در واقع، درحالی‌که تحقیقات پیشین بر پیامدها و نتایج بلاگری تمرکز داشته‌اند، عوامل زیربنایی که والدگری بلاگرها را شکل می‌دهند، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. از این رو، این پژوهش باهدف پر کردن این شکاف تحقیقاتی و شناسایی عوامل مؤثر بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندانشان ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اهمیت روزافزون این موضوع، انجام این تحقیق می‌تواند به والدین، روان‌شناسان، و نهادهای آموزشی کمک کند تا راهکارهای مناسبی برای بهبود نقش والدگری در محیط دیجیتال ارائه دهند و از فرصت‌های بلاگری برای تقویت روابط والدین و فرزندان بهره‌برداری کنند.

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر مدل (کوربین و اشتراوس^۱، ۱۹۹۰) استفاده شده است. این روش به دلیل ماهیت اکتشافی موضوع و نیاز به کشف و توسعه نظریه از دل داده‌های تجربی انتخاب شد.

اطلاعات اصلی این تحقیق از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ مادر بلاگر جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری این تحقیق به روش گلوله‌برفی انجام شد. در ابتدا، تعدادی مادر بلاگر با معیارهای زیر به‌عنوان شرکت‌کنندگان اصلی انتخاب شدند:

- حداقل سه سال سابقه فعالیت به‌عنوان بلاگر در اینستاگرام.
- داشتن بیش از ۱۰ هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام.
- داشتن حداقل یک فرزند دانش‌آموز زیر ۱۰ سال.

۱. Corbin and Strauss

شرکت کنندگان اولیه افراد دیگری را نیز معرفی کردند که با معیارهای مطالعه مطابقت داشتند، تا اینکه با انجام ۱۴ مصاحبه، به اشباع نظری دست یافتیم. اشباع نظری زمانی رخ داد که دیگر هیچ مفهوم جدیدی از داده‌ها استخراج نمی‌شد و تکرار مفاهیم در مصاحبه‌ها مشاهده شد. برای اطمینان از صحت و عمق داده‌ها، سؤالات مصاحبه‌ها به گونه‌ای طراحی شد که شرکت کنندگان بتوانند به تفصیل درباره تجربیات خود در مورد نقش والدگری، تأثیر شغل بلاگری بر تربیت فرزندان و نحوه مدیریت مسئولیت‌های والدگری در کنار فعالیت‌های بلاگری توضیح دهند. مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا مجازی انجام شد و هر مصاحبه به طور متوسط بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت شرکت کنندگان ضبط شد و پس از اتمام مصاحبه‌ها، فایل‌های صوتی به دقت پیاده‌سازی و برای تحلیل داده‌ها آماده شدند. تحلیل داده‌ها در این تحقیق بر اساس سه مرحله کدگذاری که جزء اصول نظریه مفهوم‌سازی بنیادی کوربین و اشتراوس است انجام شد.

در مرحله کدگذاری باز، داده‌های خام به واحدهای کوچک‌تری تجزیه و مفاهیم ابتدایی استخراج شدند. در مرحله کدگذاری محوری، کدهای شناسایی شده با یکدیگر مقایسه و ترکیب شدند تا دسته‌بندی‌های محوری شکل گیرند. در این مرحله، روابط میان مفاهیم شناسایی شده تحلیل و عوامل اصلی اثرگذار بر والدگری مادران بلاگر، از جمله تأثیر فشارهای اجتماعی و اقتصادی، استراتژی‌های تربیتی، و نحوه مدیریت زمان، مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله نهایی یعنی کدگذاری انتخابی تلاش شد تا روابط میان دسته‌بندی‌ها به صورت نظام‌مند شناسایی شود و یک نظریه مرکزی که قادر به تبیین تمام عوامل مرتبط با موضوع باشد، استخراج شود.

روایی و پایایی

برای اطمینان از روایی تحقیق، اقدامات زیر انجام شد:
تنوع در داده‌ها: مصاحبه‌ها با مادران بلاگر دارای شرایط متنوع از نظر تجربه فعالیت، تعداد دنبال‌کنندگان، و شرایط فرهنگی و اجتماعی انجام شد تا گستره وسیع‌تری از دیدگاه‌ها و تجربیات مورد بررسی قرار گیرد.

- بازبینی توسط شرکت کنندگان: خلاصه نتایج و مفاهیم استخراج شده با شرکت کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا از صحت برداشت‌ها و تحلیل‌ها اطمینان حاصل شود.
- ◀ طراحی دقیق سؤالات مصاحبه: سؤالات نیمه‌ساختاریافته مصاحبه به گونه‌ای طراحی شد که پاسخ‌دهندگان بتوانند به تفصیل تجربیات و نظرات خود را بیان کنند. این امر به افزایش عمق و صحت داده‌ها کمک کرد.
- ◀ مشورت با متخصصان: برای ارزیابی روایی ابزارهای تحقیق و فرآیند کدگذاری، نظرات چند متخصص در حوزه نظریه داده‌بنیاد و مطالعات اجتماعی دریافت شد. برای اطمینان از پایایی نتایج، مراحل زیر انجام شد:
- ◀ فرایند استاندارد کدگذاری: کدگذاری داده‌ها به صورت گام‌به‌گام و بر اساس اصول نظریه داده‌بنیاد کوربین و اشتراوس (۱۹۹۰) انجام شد. این فرایند شامل کدگذاری باز، محوری، و انتخابی بود که چارچوبی شفاف و قابل تکرار برای تحلیل داده‌ها ارائه می‌دهد.
- ◀ هم‌کدگذاری توسط پژوهشگران دیگر: بخشی از داده‌ها توسط یک پژوهشگر دیگر نیز کدگذاری شد و نتایج با کدگذاری اولیه مقایسه گردید. این تطبیق نشان‌دهنده همگرایی بالای نتایج بود و پایایی فرآیند کدگذاری را تضمین کرد.
- ◀ اشباع نظری: جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که هیچ مفهوم جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج نشد، و مفاهیم موجود به‌طور مکرر در مصاحبه‌های متعدد تکرار شدند. این اشباع نظری نشان‌دهنده کفایت داده‌ها برای توسعه نظریه بود.
- ◀ مستندسازی دقیق: تمامی مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا تحلیل و کدگذاری، به صورت دقیق مستندسازی شد تا امکان ارزیابی و تکرارپذیری فرآیند برای پژوهشگران دیگر فراهم شود.

سؤالات پژوهش

برای طراحی سؤالات تحقیق مبتنی بر نظریه مفهوم‌سازی بنیادی، سؤالات زیر برای این مطالعه طراحی شد:

- ◀ پدیده اصلی در نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان چیست؟
- ◀ چه عوامل (علی) بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام تأثیر می‌گذارند؟
- ◀ چه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام تأثیر می‌گذارند؟
- ◀ پیامدهای نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام بر تربیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان چیست؟
- ◀ چه استراتژی‌ها و سازوکارهایی توسط مادران بلاگر استفاده می‌شود تا توازن بین کار و تربیت فرزند را تعدیل نماید؟
- ◀ چه عوامل مداخله‌گری بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام تأثیر می‌گذارند؟

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌ها با مادران بلاگر اینستاگرام ارائه می‌شود. هدف اصلی این بخش، تبیین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری این مادران در تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندانشان است. نتایج شامل پدیده‌های اصلی، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، استراتژی‌ها، پیامدها، و عوامل زمینه‌ای است. برای هر یک از این ابعاد، توضیحات و نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها ارائه خواهد شد.

پدیده اصلی (Core Phenomena)

۱- تعارض نقش‌ها (Role Conflict)

تعارض میان نقش مادرانه و نقش بلاگری یکی از پدیده‌های اصلی است که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. مادران بلاگر از یک‌سو به‌عنوان مادر باید زمان و توجه کافی را به فرزندان خود اختصاص دهند و از سوی دیگر، به‌عنوان بلاگر نیاز به تولید محتوا و تعامل مداوم با دنبال‌کنندگان

دارند. این تعارض نقش‌ها می‌تواند باعث ایجاد تنش و تأثیر منفی بر تربیت فرزندان شود.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"گاهی وقتی در حال ضبط محتوای جدید هستم، فرزندم نیاز به کمک در انجام تکالیف دارد، اما نمی‌توانم هر دو را هم‌زمان مدیریت کنم."
"مدیریت بین زمان‌بندی کار و مراقبت از بچه‌ها سخت است، مخصوصاً وقتی یک پست مهم برای انتشار دارم."
"احساس می‌کنم بین بلاگری و مادری‌ام دائم در حال کشمکش هستم، انگار هیچ‌کدام را به درستی انجام نمی‌دهم."

۲- تأثیر تجاری‌سازی والدگری (Commercialization of Parenting)

تجاری‌شدن شغل بلاگری و فشار برای کسب درآمد و رشد تعداد دنبال‌کنندگان باعث می‌شود که مادران گاهی ناخواسته فرزندان خود را به‌عنوان بخشی از محتوای تجاری استفاده کنند. این موضوع می‌تواند بر تربیت فرزندان اثر بگذارد، چرا که فشارهای مالی و تعهدات برندها گاهی مانع از تمرکز کامل مادران بر نیازهای تربیتی فرزندان می‌شود.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"وقتی باید یک تبلیغ مرتبط با فرزندم پست کنم، باید او را هم وارد کار کنم، حتی اگر او علاقه‌ای نداشته باشد."
"برندها انتظار دارند که بچه‌های من هم در پست‌های تبلیغاتی حضور داشته باشند، و این باعث می‌شود به‌اجبار آنها را جلوی دوربین بیاورم."
"بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم که فرزندم به‌جای یک بچه، تبدیل به بخشی از کسب‌وکار من شده است."

عوامل علی (Causal Factors)

۱- فشار اجتماعی (Social Pressure)

یکی از عوامل علی که نقش مهمی در والدگری بلاگرهای اینستاگرام ایفا می‌کند، فشار اجتماعی برای نمایش زندگی کامل و بدون نقص است. این فشارها می‌تواند باعث شود که

مادران توجه بیشتری به تصویر آنلاین خود داشته باشند تا نیازهای واقعی فرزندشان.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"دنبال‌کننده‌ها همیشه انتظار دارند که زندگی من کامل و بدون مشکل باشد، و این فشار زیادی ایجاد می‌کند."

"وقتی دنبال‌کننده‌ها نظر منفی می‌دهند یا از نحوه والدگری من انتقاد می‌کنند، احساس می‌کنم باید خودم را به آنها ثابت کنم."

"گاهی بیشتر نگران این هستم که دنبال‌کننده‌ها چه فکری می‌کنند تا اینکه بچهام چه احساسی دارد."

۲- نیاز به موفقیت مالی (Financial Success Pressure)

فشار برای موفقیت مالی یکی دیگر از عوامل علی است که بر والدگری بلاگرها تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مادران بلاگر برای تأمین مالی خانواده به این شغل متکی هستند، و این فشار اقتصادی می‌تواند تمرکز آنان را از تربیت فرزندان دور کند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"من به بلاگری به عنوان یک منبع درآمد اصلی نگاه می‌کنم و نمی‌توانم به راحتی از آن چشم‌پوشی کنم."

"گاهی اوقات، چون باید پول در بیاورم، مجبور می‌شوم به جای وقت گذاشتن برای فرزندم، پست‌های بیشتری تولید کنم."

"این شغل منبع اصلی درآمد ما است، بنابراین مجبورم همیشه آنلاین باشم، حتی وقتی فرزندم نیاز به توجه دارد."

۳- انتظارات دنبال‌کنندگان (Followers' Expectations)

دنبال‌کنندگان نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مادران بلاگر دارند. انتظار دارند که محتواهای خاصی به اشتراک گذاشته شود و این ممکن است بر نحوه رفتار مادران با فرزندانشان تأثیر بگذارد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"دنبال‌کنندگان همیشه می‌پرسند که چرا پست جدیدی از بچه‌ام نمی‌گذارم، و این مرا مجبور می‌کند تا بیشتر از او محتوا تولید کنم."

"نمی‌توانم هر چیزی که می‌خواهم پست کنم، چون دنبال‌کننده‌ها همیشه انتظارات خاصی دارند."

"بعضی وقت‌ها فرزندم نمی‌خواهد جلوی دوربین بیاید، اما من به‌خاطر دنبال‌کنندگان مجبور می‌شوم او را راضی کنم."

۴- فشار زمانی (Time Pressure)

زمان‌بندی برای تولید محتوا و نیازهای روزمره والدگری چالشی اساسی برای مادران بلاگر است. این فشار زمانی می‌تواند باعث کاهش کیفیت توجه و تربیت فرزندان شود، زیرا مادران باید بین تولید محتوای آنلاین و رسیدگی به نیازهای فرزندان تعادل برقرار کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"مدیریت زمان سخت است؛ وقتی قرار است ویدئویی ضبط کنم، گاهی وقت کافی برای کمک به تکالیف فرزندم ندارم."

"شب‌ها بیشتر وقت خود را برای ادیت محتوا صرف می‌کنم و این باعث می‌شود تا دیروقت بیدار باشم و روز بعد توان کافی برای تربیت و تعامل با فرزندم نداشته باشم."
"تولید محتوا نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد و گاهی این زمان‌بندی با نیازهای روزمره فرزندم تداخل پیدا می‌کند."

۵- نیاز به تولید محتوای مستمر (Continuous Content Creation Requirement)

مادران بلاگر باید به‌طور مستمر محتوا تولید کنند تا مخاطبان خود را حفظ کنند. این نیاز باعث می‌شود که برخی از مادران توجه کمتری به فرزندان خود داشته باشند و در نتیجه تأثیر منفی بر تربیت و تحصیل آنها بگذارد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"همیشه باید در حال ایجاد محتوای جدید باشم؛ این کار زمان زیادی می‌برد و گاهی فرزندم را نادیده می‌گیرم."

"نمی‌توانم پست‌ها را متوقف کنم؛ چون مخاطبان منتظر هستند، و این باعث می‌شود وقت کمتری برای فرزندم بگذارم."

"فرزندم می‌خواهد که با او بازی کنم، اما به خاطر ایجاد محتوای جدید نمی‌توانم به اندازه کافی به او توجه کنم".

۶- تعهدات تبلیغاتی و قراردادهای (Advertising Commitments and Contracts)

یکی از عوامل علی که نقش مهمی در والدگری مادران بلاگر دارد، تعهدات ناشی از قراردادهای تبلیغاتی است. این تعهدات می‌تواند تمرکز مادران را از وظایف والدگری منحرف کند و به جای تربیت فرزندان، اولویت‌های مالی و تبلیغاتی داشته باشد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"وقتی قرارداد تبلیغاتی دارم، باید به تعهداتم عمل کنم، حتی اگر فرزندم در آن لحظه نیاز به من داشته باشد".

"برندها معمولاً خواسته‌های خاصی دارند و این باعث می‌شود که بیشتر زمانم را به تولید محتوا اختصاص دهم".

"بعضی از تبلیغ‌ها نیاز به حضور فرزندم دارند و این گاهی باعث می‌شود که او را مجبور به مشارکت کنم".

عوامل مداخله‌گر (Intervening Conditions)

۱- حمایت اجتماعی (Social Support)

یکی از عوامل مداخله‌گر مهم در تأثیرگذاری نقش والدگری مادران بلاگر، میزان حمایت اجتماعی است که از خانواده و دوستان دریافت می‌کنند. داشتن کمک از جانب دیگران می‌تواند به مدیریت بهتر نقش‌ها و کاهش تعارض میان والدگری و بلاگری کمک کند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"خانواده‌ام در مراقبت از فرزندم خیلی کمک می‌کنند، و این به من اجازه می‌دهد تا با خیالی راحت تر کار کنم".

"همسرم خیلی حمایتی است و کمک می‌کند تا بتوانم بلاگری و مادری را هم‌زمان مدیریت کنم".

"وقتی خانواده‌ام کمک می‌کنند، می‌توانم به وظایف بلاگری‌ام بهتر رسیدگی کنم".

۲- ویژگی‌های شخصیتی مادر (Mother's Personality Traits)

ویژگی‌های شخصیتی مادران مانند انعطاف‌پذیری، مدیریت زمان، و توانایی تنظیم اولویت‌ها، در چگونگی تأثیر شغل بلاگری بر والدگری نقش دارند. مادرانی که از انعطاف بیشتری برخوردارند، توانایی بهتری در مدیریت تعارض‌های نقش دارند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"من فردی خیلی برنامه‌ریز هستم، بنابراین همیشه سعی می‌کنم زمان خاصی را برای فرزندم کنار بگذارم".

"انعطاف‌پذیری‌ام به من کمک کرده تا هم بتوانم مادری کنم و هم بلاگری را ادامه دهم".
"خیلی به زمان‌بندی خودم پایبندم و همیشه سعی می‌کنم به هر دو نقش به طور مساوی توجه کنم".

۳- میزان وابستگی مالی به بلاگری (Financial Dependency on Blogging)

اگر مادران به شغل بلاگری وابستگی مالی داشته باشند، تأثیر این وابستگی بر نحوه تربیت فرزندان بیشتر خواهد بود. در این حالت، مادران ممکن است مجبور به اولویت‌دادن به فعالیت‌های بلاگری به جای تمرکز بر والدگری شوند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"من به بلاگری به عنوان تنها منبع درآمد نگاه می‌کنم، بنابراین نمی‌توانم وقت زیادی برای تربیت فرزندم اختصاص دهم".

"درآمد بلاگری خیلی مهم است و باعث می‌شود که نتوانم به همه نیازهای فرزندم پاسخ دهم".

"این شغل منبع اصلی درآمد ماست، و این فشار مالی باعث می‌شود که بیشتر وقت خود را به تولید محتوا اختصاص دهم".

۴- سطح تحصیلات مادر (Mother's Education Level)

سطح تحصیلات مادران نیز به عنوان یک عامل مداخله‌گر شناسایی شده است. مادران با سطح تحصیلات بالاتر معمولاً بهتر می‌توانند بین وظایف مختلف تعادل برقرار کنند و از روش‌های تربیتی مناسب‌تری استفاده کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"من تحصیلاتم را در حوزه روان‌شناسی کودک انجام داده‌ام، و این به من کمک می‌کند تا بهتر با فرزندم تعامل کنم."

"تحصیلاتم در زمینه تربیت فرزند باعث شده تا رویکرد متفاوتی نسبت به والدگری داشته باشم."

"به‌عنوان یک مادر تحصیل‌کرده، همیشه سعی می‌کنم تعادل را حفظ کنم."

۵- سطح تحصیلات پدر (Father's Education Level)

سطح تحصیلات پدر نیز می‌تواند بر تأثیر والدگری مادران بلاگر نقش داشته باشد. پدرانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً همکاری بیشتری در تربیت فرزند دارند و به مادران در کاهش بار نقش کمک می‌کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"همسر هم تحصیلات بالایی دارد و به‌خوبی با من در تربیت فرزندمان همکاری می‌کند."

"تحصیلات بالای همسر باعث شده که بهتر نقش‌های مختلف را در خانه تقسیم کنیم."

"همسر همیشه در کنارم است و این کمک بزرگی برای تربیت فرزندمان است."

۶- فرهنگ خانواده (Family Culture)

فرهنگ خانواده و ارزش‌های تربیتی خانواده نیز به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر در نقش والدگری مادران بلاگر شناسایی شده است. خانواده‌هایی که به ارزش‌های تربیتی خاصی پایبند هستند، معمولاً تأثیر بیشتری بر چگونگی تربیت فرزندان دارند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"در خانواده ما، تربیت فرزندان همیشه اولویت اصلی است، حتی اگر کار بلاگری از من زمان زیادی بگیرد."

"خانواده‌ام همیشه به ارزش‌های تربیتی خاصی پایبند بوده‌اند و این به من کمک می‌کند تا تعادل را حفظ کنم."

"ارزش‌های خانوادگی ما بسیار مهم هستند و همیشه سعی می‌کنم آنها را در تربیت فرزندم لحاظ کنم."

عوامل زمینه‌ای (Contextual Factors)

۱- شرایط اقتصادی (Economic Conditions)

شرایط اقتصادی خانواده‌ها تأثیر زیادی بر نحوه والدگری و بلاگری دارد. خانواده‌هایی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند، می‌توانند از منابع بیشتری برای تربیت فرزندان خود استفاده کنند و نیاز کمتری به تمرکز بر درآمد بلاگری دارند.

نمونه‌ای مصاحبه‌ها

"وقتی درآمد کم می‌شود، فشار بیشتری روی من و خانواده‌ام می‌آید. این موضوع باعث می‌شود که در تربیت فرزندم هم دچار مشکل شوم، چون هم باید بیشتر کار کنم و هم از نظر مالی به دنبال راه‌هایی برای صرفه‌جویی باشم".

"وضعیت اقتصادی ما قبل از بلاگری خوب نبود و مجبور بودم زمان زیادی را صرف کسب درآمد کنم. اما بعد از اینکه توانستم از طریق اینستاگرام درآمد خوبی کسب کنم، به خودم اجازه دادم که وقت بیشتری را با فرزندم بگذرانم و از نیازهایم بهتر مراقبت کنم".

"موقعیت مالی من خیلی به این بستگی دارد که چقدر در فضای مجازی موفق باشم. اگر تعداد فالوورهایم کم شود یا قراردادهای تبلیغاتی نداشته باشم، تأثیرش مستقیماً روی تربیت فرزندم هم مشخص می‌شود، چون شاید نتوانم به اندازه لازم وقت و انرژی بگذارم".

۲- فناوری و دسترسی به اینترنت (Technology and Internet Access)

دسترسی به فناوری و اینترنت یکی از عوامل زمینه‌ای مهم در والدگری مادران بلاگر است. مادرانی که دسترسی بهتری به ابزارهای دیجیتال و اینترنت دارند، فرصت بیشتری برای تولید محتوا و برقراری ارتباط با مخاطبان خود دارند. این دسترسی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تعاملات آنها با فرزندانشان داشته باشد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"با اینترنت پرسرعت می‌توانم کارهایم را سریع‌تر انجام دهم و وقت بیشتری برای فرزندم بگذارم".

"دسترسی به تکنولوژی باعث شده تا بتوانم هم‌زمان به تربیت فرزندم و شغل بلاگری ادامه دهم".

"با داشتن ابزارهای دیجیتال بهتر می‌توانم کارهای بلاگری‌ام را سریع‌تر انجام دهم و وقت بیشتری برای خانواده داشته باشم".

۳- قوانین و مقررات پلتفرم‌ها (Platform Policies and Regulations)

قوانین و مقررات پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام نیز تأثیر قابل توجهی بر نقش والدگری مادران بلاگر دارد. این قوانین ممکن است بر نحوه ارائه محتوا، میزان درآمدزایی، و تعاملات مادران با مخاطبان تأثیر بگذارد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"قوانین اینستاگرام همیشه در حال تغییر است و باید همیشه به‌روز باشم؛ این می‌تواند وقت زیادی از من بگیرد".

"مقررات جدید اینستاگرام باعث شده تا محتواهایم را با دقت بیشتری منتشر کنم".
"بعضی از محدودیت‌ها در پلتفرم‌ها باعث می‌شود که به اجبار وقت بیشتری روی تولید محتوا بگذارم".

۴- شرایط فرهنگی (Cultural Conditions)

شرایط فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی که مادران در آن بزرگ شده‌اند و زندگی می‌کنند نیز به‌عنوان عامل زمینه‌ای تأثیر قابل توجهی بر والدگری و شغل بلاگری دارند. در برخی فرهنگ‌ها، نقش‌های سنتی مادران ممکن است با نقش حرفه‌ای بلاگری در تعارض باشد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"در فرهنگ ما، مادر بودن خیلی مهم است، و گاهی به من گفته می‌شود که نباید وقت زیادی برای کار بگذارم".

"بعضی از دوستان و آشنایان معتقدند که بلاگری نباید اولویت من باشد، چون وظیفه‌ام تربیت فرزند است".

"در فرهنگ ما، کار بیرون از خانه همیشه برای مادران چالش‌برانگیز است، و این باعث شده تا من در تعادل نقش‌ها مشکل داشته باشم".

۵- تعاملات خانوادگی (Family Interactions)

نحوه تعاملات میان اعضای خانواده، به‌ویژه پدر و فرزندان، می‌تواند بر تأثیر شغل بلاگری

مادر بر والدگری او نقش مهمی داشته باشد. وجود تعاملات خانوادگی سالم و حمایت از طرف پدر یا دیگر اعضای خانواده می‌تواند به مدیریت بهتر این نقش‌ها کمک کند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"همسرم همیشه در تربیت فرزندمان همکاری می‌کند و این کمک بزرگی برای من است."
"تعاملات خانوادگی مان خیلی خوب است و همیشه سعی می‌کنیم وظایف را تقسیم کنیم."
"اگر از طرف خانواده‌ام حمایت نمی‌شدم، نمی‌توانستم کار بلاگری و والدگری را هم‌زمان انجام دهم."

۶- انتظارات اجتماعی از نقش مادر (Social Expectations of Motherhood)

انتظارات اجتماعی که از مادران وجود دارد نیز به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای می‌تواند بر نحوه تعامل مادران بلاگر با فرزندانشان تأثیر بگذارد. این انتظارات ممکن است باعث شود که مادران فشار بیشتری برای تربیت فرزندانشان احساس کنند و در نتیجه تعادل میان کار و زندگی شخصی آنها تحت تأثیر قرار گیرد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"مردم همیشه انتظار دارند که مادران وقت زیادی برای تربیت فرزندشان بگذارند و این برای من که شغل بلاگری دارم، چالشی است."
"انتظارات جامعه از یک مادر همیشه در ذهنم هست و این باعث می‌شود که گاهی احساس فشار کنم."
"جامعه ما همیشه از مادران انتظار دارد که تربیت فرزندانشان در اولویت باشد، و این با کار من به‌عنوان یک بلاگر در تضاد است."

استراتژی‌ها (Strategies)

۱- مدیریت زمان (Time Management)

یکی از استراتژی‌های اصلی که مادران بلاگر برای ایجاد تعادل بین شغل بلاگری و والدگری به کار می‌گیرند، مدیریت مؤثر زمان است. این مادران تلاش می‌کنند تا با برنامه‌ریزی دقیق، وظایف حرفه‌ای و خانوادگی خود را در کنار هم پیش ببرند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"همیشه سعی می‌کنم برنامه‌های روزانه‌ام را دقیق تنظیم کنم تا بتوانم هم به کارم برسیم و هم به فرزندم".

"اگر نتوانم وقتم را مدیریت کنم، نه به کار بلاگری می‌رسم و نه به تربیت فرزندم".
"با یک برنامه‌ریزی دقیق و تعیین زمان‌های خاص برای بلاگری، می‌توانم وقت کافی برای تربیت فرزندم بگذارم".

۲- تقسیم مسئولیت‌ها (Delegation of Responsibilities)

مادران بلاگر سعی می‌کنند بخشی از مسئولیت‌های خانوادگی و تربیت فرزندان را به همسر یا دیگر اعضای خانواده واگذار کنند تا بتوانند تعادلی بین شغل و زندگی شخصی خود برقرار کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"همسرم همیشه در کارهای خانه و تربیت فرزندم به من کمک می‌کند و این خیلی برای من مهم است".

"تقسیم کار در خانه به من کمک کرده تا به شغلم نیز به‌خوبی رسیدگی کنم".
"اگر همسرم در تربیت فرزندمان همکاری نداشت، نمی‌توانستم به‌عنوان یک بلاگر موفق باشم".

۳- محدود کردن تعاملات آنلاین (Limiting Online Interactions)

مادران بلاگر برای حفظ تمرکز بیشتر بر فرزندان خود، تصمیم به محدود کردن زمان و حجم تعاملات خود با مخاطبان در فضای مجازی می‌گیرند. این استراتژی به آنها کمک می‌کند تا بتوانند تعادل بیشتری بین شغل و زندگی شخصی خود برقرار کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"زمانی که فرزندم کنارم است، سعی می‌کنم کمتر به شبکه‌های اجتماعی سر بزنم".
"تعاملات آنلاین را در زمان خاصی محدود کرده‌ام تا بتوانم وقت بیشتری برای تربیت فرزندم بگذارم".

"با کاهش زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی، بهتر می‌توانم به مسئولیت‌های مادری‌ام برسیم".

۴- بهره‌گیری از فناوری (Utilizing Technology)

مادران بلاگر از ابزارهای تکنولوژی مانند اپلیکیشن‌های مدیریت زمان یا اتوماسیون برای تولید محتوا استفاده می‌کنند تا بتوانند کارهای بلاگری خود را در زمان کمتری انجام دهند و تمرکز بیشتری بر والدگری داشته باشند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"با استفاده از ابزارهای اتوماسیون، تولید محتوا را سریع‌تر انجام می‌دهم و وقت بیشتری برای فرزندم دارم".

"اپلیکیشن‌های مدیریت زمان به من کمک کرده تا کارهایم را بهتر برنامه‌ریزی کنم".
"از تکنولوژی به نفع استفاده می‌کنم تا به هر دو نقش مادری و بلاگری برسیم".

۵- تعیین مرزهای کاری (Setting Work Boundaries)

یکی دیگر از استراتژی‌های مؤثر تعیین مرزهای مشخص میان کار و زندگی خانوادگی است. مادران بلاگر با تعیین ساعات مشخص کاری و استراحت، سعی می‌کنند تا مرزهای واضحی بین شغل و والدگری خود ایجاد کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"در روزهای مشخصی از هفته به کارهای بلاگری می‌پردازم و بقیه وقت‌ها را برای خانواده‌ام می‌گذارم".

"مرزهای زمانی بین کار و زندگی خانوادگی تعیین کرده‌ام تا هیچ‌کدام از این دو را فدای دیگری نکنم".

"با تعیین مرزهای مشخص، بهتر می‌توانم روی تربیت فرزندم تمرکز کنم".

پیامدها (Outcomes)

۱- بهبود کیفیت والدگری (Improved Parenting Quality)

یکی از پیامدهای مثبت استفاده از استراتژی‌های فوق، بهبود کیفیت والدگری است. مادران بلاگر با استفاده از این استراتژی‌ها موفق می‌شوند که توجه بیشتری به تربیت فرزند خود داشته

باشند و نقش والدگری خود را به شکل مؤثرتری ایفا کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"با برنامه‌ریزی دقیق، احساس می‌کنم توانسته‌ام به تربیت فرزندم بیشتر برسیم".
"این استراتژی‌ها به من کمک کرده تا هم مادری خوبی باشم و هم به کارم برسیم".
"احساس می‌کنم که کیفیت تربیتم بهتر شده است، چون بیشتر به فرزندم توجه می‌کنم".

۲- افزایش تنش و استرس (Increased Tension and Stress)

باوجود تلاش‌های مادران بلاگر برای مدیریت نقش‌های مختلف، برخی از آنها با افزایش تنش و استرس روبه‌رو می‌شوند. فشارهای ناشی از تولید محتوا و تعامل با مخاطبان ممکن است بر روی روابط آنها با فرزندان تأثیر منفی بگذارد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"گاهی فشار کار و استرس تولید محتوا روی تربیت فرزندم تأثیر منفی می‌گذارد".
"استرس زیاد کار بلاگری باعث شده که نتوانم به خوبی نقش مادری‌ام را ایفا کنم".
"گاهی احساس می‌کنم بین شغل و خانواده‌ام گیر کرده‌ام و نمی‌توانم به خوبی بین آنها تعادل ایجاد کنم".

۳- کاهش تمرکز بر والدگری (Decreased Focus on Parenting)

در برخی موارد، مادران بلاگر به دلیل فشارهای حرفه‌ای و تمرکز زیاد بر تولید محتوا، تمرکز کمتری بر والدگری دارند. این مسئله می‌تواند منجر به کاهش کیفیت تربیت فرزند و کاهش توجه به نیازهای آموزشی و تحصیلی فرزند شود.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"گاهی اوقات آن‌قدر درگیر کار می‌شوم که کمتر به نیازهای فرزندم توجه می‌کنم".
"تمرکز زیاد بر کار بلاگری باعث شده که در برخی مواقع از تربیت فرزندم غافل شوم".
"گاهی نمی‌توانم به اندازه کافی به مسائل تحصیلی فرزندم توجه کنم؛ چون سرم شلوغ است".

۴- موفقیت حرفه‌ای و افزایش درآمد (Professional Success and Increased Income)

مادران بلاگر که توانسته‌اند از طریق شغل خود درآمدزایی کنند، علاوه بر نقش والدگری، از موفقیت حرفه‌ای خود نیز بهره‌مند شده‌اند. این موفقیت به آنها امکان می‌دهد تا کیفیت زندگی خانوادگی خود را ارتقا دهند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"بلاگری به من کمک کرده که درآمد خوبی داشته باشم و کیفیت زندگی فرزندم را بالا ببرم".
"با درآمدزایی از بلاگری، توانسته‌ام به خانواده‌ام کمک کنم و بهتر از پس هزینه‌های زندگی بریایم".
"موفقیت در بلاگری باعث شده که احساس رضایت بیشتری از نقش حرفه‌ای و مادری‌ام داشته باشم".

۵- تأثیر بر هویت و خودآگاهی فرزند (Impact on Child's Identity and Self-awareness)

یکی از پیامدهای مهم والدگری مادران بلاگر، تأثیرگذاری بر هویت و خودآگاهی فرزندان است. به‌ویژه کودکانی که والدین آنها در فضای عمومی فعالیت می‌کنند، ممکن است به دلیل دیده‌شدن در فضای مجازی و تعاملات اجتماعی آنلاین، هویت و خودآگاهی متفاوتی نسبت به دیگر کودکان پیدا کنند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"فرزندم از اینکه در صفحه اینستاگرام دیده می‌شود خوشحال است، اما گاهی احساس می‌کنم روی شخصیتش تأثیر می‌گذارد".
"فرزندم به‌خاطر شغل من بیشتر از دیگر کودکان با فضای مجازی آشناست و این روی هویتش تأثیر دارد".
"بلاگری من باعث شده که فرزندم نسبت به دیده‌شدن در فضای عمومی آگاهی بیشتری پیدا کند".

۶- تثبیت هویت دیجیتال فرزند (Establishment of the Child's Digital Identity)

یکی از پیامدهای معرفی شده در این تحقیق، "تثبیت هویت دیجیتال فرزند" است. مادران بلاگر به‌مرورزمان با انتشار تصاویر، فیلم‌ها، و تجربیات روزمره فرزندان خود، هویت دیجیتالی خاصی برای آنان ایجاد می‌کنند. این هویت دیجیتالی می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد؛ از جمله ایجاد اعتمادبه‌نفس یا به‌وجودآمدن نوعی وابستگی به تأیید اجتماعی. برخی از مصاحبه‌شوندگان به‌طور غیرمستقیم به این پدیده اشاره کرده‌اند.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"هر وقت چیزی از فرزندم پست می‌کنم، او از من می‌پرسد که چند نفر لایک کردند یا نظر گذاشتند. انگار این موضوع برایش مهم شده و منتظر واکنش‌هاست".

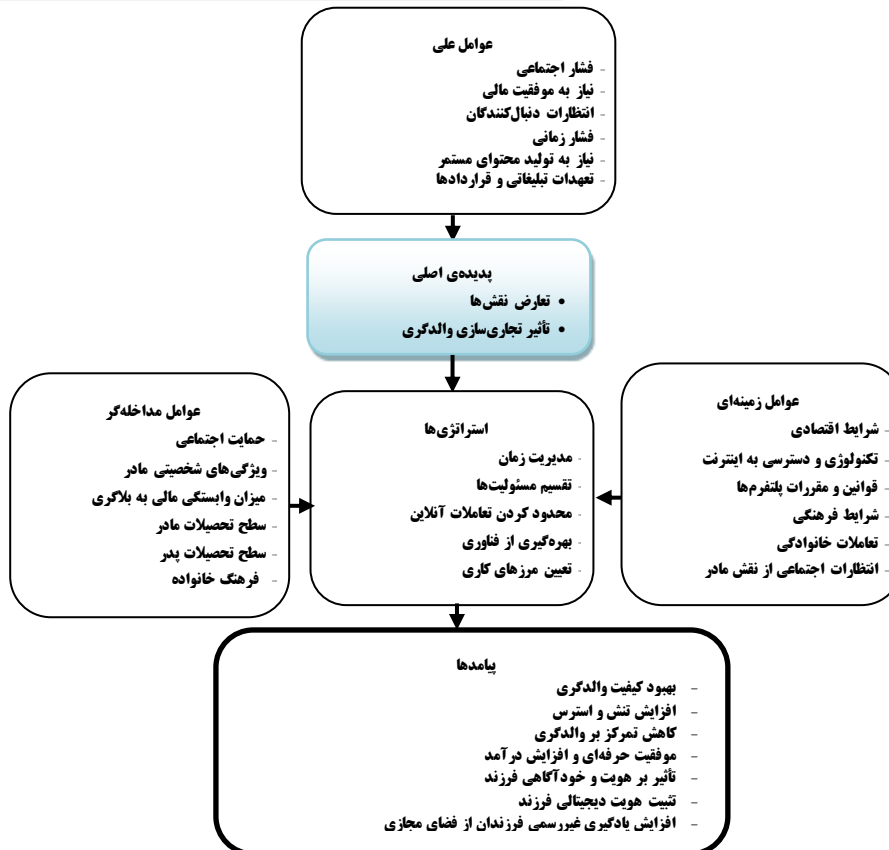
"فرزندم بعضی وقت‌ها خودش از من می‌خواهد که عکس یا ویدئویی از او منتشر کنم و خیلی حساس شده که چطور در پست‌ها دیده می‌شود."
"گاهی فکر می‌کنم دارم هویتی برای او خلق می‌کنم که خودش شاید بعدها نخواهد با آن شناخته شود. ولی در حال حاضر از این روند لذت می‌برد".

۷- افزایش یادگیری غیررسمی فرزندان از فضای مجازی (Increased Informal Learning of Children)
(from Digital Spaces

به دلیل دسترسی مادران به محتواهای آموزشی و تربیتی متنوع از طریق اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی، فرزندان نیز به طور غیرمستقیم از این محتواها بهره‌مند می‌شوند. این یادگیری غیررسمی می‌تواند در زمینه‌های مختلف مانند رفتار اجتماعی، استفاده از فناوری، و مسائل آموزشی تأثیر بگذارد.

نمونه‌ای از مصاحبه‌ها

"خیلی از اطلاعات و توصیه‌های تربیتی که در پیچ‌ها می‌بینم، بعداً به صورت ناخودآگاه در رفتار با فرزندم استفاده می‌کنم و خودش هم از آن یاد می‌گیرد."
"فرزندم خیلی وقت‌ها کنار من می‌نشیند و ویدئوهای آموزشی که من نگاه می‌کنم را دنبال می‌کند. بعضی وقت‌ها از خودش می‌پرسد که چطور می‌تواند مثل آن‌ها کار کند."
"گاهی می‌بینم که بچه‌هایم در مورد موضوعاتی حرف می‌زنند که من در پیچ‌ها دیده‌ام، انگار آن‌ها هم به‌نوعی در این یادگیری شریک شده‌اند."
این دو پیامد اخیر به‌خوبی نشان می‌دهند که بلاگری مادران در اینستاگرام نه تنها بر نقش والدگری تأثیر می‌گذارد، بلکه هویت دیجیتالی فرزندان را شکل داده و بر یادگیری غیررسمی آن‌ها نیز اثرگذار است.



باتوجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، می‌توان مدل نهایی تحقیق را ترسیم کرد که نمایانگر روابط پیچیده بین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری بلاگرهای اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است.

مدل نهایی تحقیق همچنین بر استراتژی‌های مختلفی که بلاگرهای اینستاگرام برای مدیریت چالش‌های والدگری خود به کار می‌برند و پیامدهای مختلفی که این استراتژی‌ها بر عملکرد تحصیلی و تربیتی فرزندان دارند تأکید دارد. به‌ویژه، استراتژی‌هایی مانند «تقسیم وظایف بین اعضای خانواده» و «تعیین مرزهای کاری» می‌تواند بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان را تسهیل کند. این مدل می‌تواند به پژوهشگران و سیاست‌گذاران کمک کند تا به درک عمیق‌تری از نحوه تأثیر

بلاگرهای اجتماعی بر تربیت و یادگیری فرزندان دست یابند و در نتیجه راهکارهای مؤثرتری برای حمایت از والدین و دانش‌آموزان ارائه دهند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق برای نخستین‌بار عوامل اثرگذار بر نقش والدگری مادران بلاگر اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندان آن‌ها را به طور جامع شناسایی و تحلیل کرده است. در شرایطی که استفاده از رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه اینستاگرام به‌عنوان پلتفرمی برای تولید محتوا و کسب درآمد روزبه‌روز افزایش می‌یابد، شناخت تأثیرات این فعالیت‌ها بر روابط والد - فرزند و نتایج تحصیلی کودکان، برای والدین، مشاوران تربیتی و سیاست‌گذاران آموزشی بسیار حیاتی است. یافته‌های این تحقیق شکاف مهمی را در مطالعات قبلی پر می‌کند و به‌وضوح نشان می‌دهد که اشتغال به بلاگری می‌تواند علاوه بر مزایای اقتصادی و اجتماعی، چالش‌هایی برای نقش والدگری و تربیت فرزندان به وجود آورد.

نتایج نشان داد که عوامل علی‌همچون انتظارات دنبال‌کنندگان، فشارهای اجتماعی و زمانی، و نیاز به بهبود وضعیت مالی، عوامل مداخله‌گر مانند حمایت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی مادر و فرهنگ خانواده،

عوامل زمینه‌ای شامل شرایط اقتصادی، قوانین و مقررات پلتفرم‌ها، شرایط فرهنگی محل زندگی و انتظارات اجتماعی از نقش مادر، در تبیین مفهوم اصلی تحقیق نقش دارند. مقایسه نتایج تحقیق ما با تحقیق قبلی که در متن ارائه شده است، چند جنبه کلیدی را نمایان می‌کند. در تحقیق حاضر، تمرکز بر شناسایی عوامل مؤثر بر نقش والدگری مادران بلاگر و تأثیرات آن بر تربیت و عملکرد تحصیلی فرزندان بود. این پژوهش بر اساس مصاحبه با بلاگرهای مادر در اینستاگرام انجام شد و به عوامل متعددی مانند مدیریت زمان، حمایت اجتماعی و مرزهای خصوصی والدین - فرزندان پرداخته شد. نتایج تحقیق ما نشان داد که والدگری این مادران تحت تأثیر فشارهای ناشی از حضور آنلاین و مدیریت زندگی شخصی و شغلی قرار دارد و به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی فرزندان و روش‌های تربیتی آنها تأثیر می‌گذارد.

در مقایسه، تحقیقات پیشین بیشتر بر بازنمایی رسانه‌ای مادران و تأثیرات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حضور آن‌ها در فضای آنلاین تمرکز داشتند. به طور خاص، مطالعات قبلی اشاره داشتند که مادران بلاگر به دلیل مقابله با تصاویری که رسانه‌ها از "مادر ایده‌آل" ارائه می‌دهند، شروع به فعالیت کردند و از این طریق، یک جامعه حمایتی برای خود ایجاد نمودند. این حمایت اجتماعی در تحقیقات قبلی به‌عنوان یک عامل کلیدی شناخته شده است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر سلامت روانی مادران و تعاملات والد - فرزند داشته باشد. همچنین، تحقیقات قبلی به نقش اینستاگرام در توانمندسازی یا تقویت هنجارهای سنتی زنانگی اشاره داشتند و بیان می‌کردند که این نوع از فعالیت‌ها ممکن است به استرس والدین جدید و احساس ناکافی بودن در نقش مادری دامن بزند.

نتایج تحقیق ما در چندین بخش با یافته‌های تحقیقات قبلی همسو است و نقاط مشترکی را در تأثیرات والدگری مادران بلاگر بر فرزندان و تعاملات اجتماعی آن‌ها نشان می‌دهد. یکی از نتایج اصلی تحقیق ما نشان می‌دهد که مادران بلاگر از طریق ایجاد ارتباطات اجتماعی و تشکیل جوامع آنلاین، می‌توانند حمایت اجتماعی لازم برای مقابله با چالش‌های والدگری را به دست آورند. این نتیجه در راستای تحقیقات پیشین است که بیان می‌کردند مادران بلاگر با اشتراک گذاری تجربیات خود، نوعی شبکه حمایتی ایجاد می‌کنند که باعث تقویت اعتمادبه‌نفس، کاهش استرس‌های والدگری و بهبود کیفیت روابط والد - فرزندی می‌شود (مک دانیل و همکاران، ۲۰۱۲). این شبکه‌های حمایتی به مادران کمک می‌کند تا در مواجهه با مسئولیت‌های تربیتی و تحصیلی فرزندان، احساس تنهایی کمتری داشته باشند و از تجربیات دیگران بهره‌مند شوند (بلومرز و لیوینگستون، ۲۰۱۷). در تحقیق حاضر، یکی از نگرانی‌های اصلی مادران بلاگر، حفظ حریم خصوصی فرزندان و مدیریت مرزهای هویتی بین خود و فرزندان بود. این نتیجه با یافته‌های (بارتولت، ۲۰۱۱) و (بلومرز و لیوینگستون، ۲۰۱۷) همسو است که اشاره دارند والدینی که زندگی شخصی فرزندان خود را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند، ممکن است حریم خصوصی و حق هویت مستقل فرزندان را تحت تأثیر قرار دهند. این مطالعات نشان می‌دهند که اشتراک گذاری‌های گسترده توسط والدین می‌تواند منجر به ایجاد تعارضات آتی در روابط والد - فرزندی شود، به‌ویژه زمانی که فرزندان به سنین نوجوانی می‌رسند و شروع به مطالبه استقلال هویتی می‌کنند. نتیجه دیگر تحقیق ما نشان داد که

مادران بلاگر به دنبال ارائه تصویری واقعی‌تر و انعطاف‌پذیرتر از نقش مادری هستند که از کلیشه‌های «مادر کامل» فاصله دارد. این امر با یافته‌های (لویز، ۲۰۰۹/زاپاویگنا، ۲۰۱۶) مطابقت دارد که اشاره می‌کنند مادران بلاگر اولیه، وبلاگ‌نویسی و بلاگری را به‌عنوان واکنشی به بازنمایی‌های سنتی و غیرواقعی از مادری آغاز کردند. آنها از این طریق تلاش کردند تا جنبه‌های مثبت و منفی، سختی‌ها و چالش‌های روزمره مادر بودن را به تصویر بکشند و روایتی معتبرتر و متنوع‌تر از مادری را ارائه دهند.

یافته‌های ما همچنین نشان می‌دهد که فعالیت مادران در فضای آنلاین و حضور فعال آنها در اینستاگرام می‌تواند باعث (افزایش ارتباطات با فرزندان) و بهبود کیفیت تعاملات در صورتی شود که به طور آگاهانه و با در نظر گرفتن نیازهای فرزند مدیریت شود. این یافته با مطالعاتی مانند (ژانگ، ۲۰۱۱) همخوانی دارد که نشان داد مادران بلاگر می‌توانند از بسترهای آنلاین برای افزایش صمیمیت بین خود و فرزندانشان استفاده کنند، به‌ویژه زمانی که محتوای اشتراکی با هم‌فکری فرزند تولید می‌شود. در تحقیق ما، برخی مادران اشاره کردند که فعالیت‌های بلاگری می‌تواند فرصت‌های مالی جدیدی را برای خانواده ایجاد کند، اما درعین حال، فشارهای اقتصادی ناشی از کسب درآمد از طریق بلاگری ممکن است بر تعاملات و کیفیت والدگری تأثیر منفی بگذارد. این یافته با تحقیقاتی مانند (کانینگهام و کریگ، ۲۰۱۷) مطابقت دارد که بیان می‌کنند انگیزه‌های اقتصادی ممکن است والدین را به سمت ایجاد محتوای تجاری بیشتر سوق دهد که این امر می‌تواند منجر به کاهش اصالت محتوای والدگری و افزایش فشارهای روانی بر مادران شود.

در این تحقیق، پنج استراتژی کلیدی شناسایی شد که نقش مهمی در بهبود نقش والدگری مادران بلاگر اینستاگرام و تربیت فرزندان آنها ایفا می‌کند. هر کدام از این استراتژی‌ها نقشی مهم در ایجاد تعادل میان فعالیت‌های شغلی و وظایف والدگری ایفا می‌کنند و توجه بیشتر به آن‌ها در تربیت فرزند و بهبود نقش والدگری ضروری است. تقسیم مسئولیت‌ها یکی از استراتژی‌های حیاتی است که باعث می‌شود نقش‌های والدگری و شغلی به صورت متعادل‌تری تقسیم شوند. با مشارکت والد دیگر در وظایف تربیتی و تحصیلی فرزند، مادران بلاگر می‌توانند از حجم مسئولیت‌های خود بکاهند و زمان

1. Zhang

2. Cunningham and Craig

بیشتری برای انجام فعالیت‌های حرفه‌ای و خانوادگی پیدا کنند. این رویکرد به افزایش کیفیت تعاملات خانوادگی و بهبود سلامت روانی والدین و فرزندان کمک می‌کند.

تعیین مرزهای کاری نیز یکی دیگر از استراتژی‌های مؤثر است که به مادران بلاگر کمک می‌کند تا فعالیت‌های شغلی خود را از زندگی خانوادگی جدا نگه دارند. با مشخص کردن مرزهای مشخص بین زمان کار و زمان خانواده، مادران می‌توانند تعادل بهتری بین این دو بخش از زندگی خود ایجاد کنند. این رویکرد به فرزندان نشان می‌دهد که والدین ارزش بالایی برای زمان خانوادگی قائل‌اند که به نوبه خود به بهبود روابط خانوادگی و نقش تربیتی کمک می‌کند. در نهایت، پیامدهای شناسایی‌شده در این تحقیق اهمیت ویژه‌ای در بررسی تأثیرات نقش والدگری مادران بلاگر دارند. بهبود کیفیت والدگری به واسطه آگاهی بیشتر مادران از روش‌های نوین تربیتی و بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران در فضای مجازی ممکن است رخ دهد. با این حال، افزایش تنش و استرس نیز به دلیل فشارهای اجتماعی و مسئولیت‌های دوگانه والدگری و بلاگری می‌تواند رخ دهد و به کاهش تمرکز بر والدگری منجر شود. از سوی دیگر، موفقیت حرفه‌ای و افزایش درآمد از فعالیت بلاگری می‌تواند منبع رضایت شخصی و امنیت مالی برای خانواده فراهم کند، اما در عین حال، ممکن است بر هویت و خودآگاهی فرزند تأثیر بگذارد، چرا که فرزندان ممکن است تحت تأثیر فعالیت‌های آنلاین والدین خود قرار گیرند و هویت دیجیتالی آن‌ها شکل گیرد. در نتیجه، تثبیت هویت دیجیتالی فرزند و نقش آن در آینده فردی و اجتماعی فرزندان قابل توجه است. همچنین، افزایش یادگیری غیررسمی فرزندان از فضای مجازی، با توجه به تعاملات و محتوای آموزشی و سرگرمی موجود در این فضا، می‌تواند ابعاد جدیدی از یادگیری را برای کودکان فراهم کند که باید به دقت مدیریت شود.

Reference

- Abetz, J., & Moore, J. (2018). "Welcome to the mommy wars, ladies": Making sense of the ideology of combative mothering in mommy blogs. *Communication Culture & Critique*, 11(2), 265-281.
- Abidin, C. (2015). Micromicrocelebrity: Branding babies on the internet. *M/c Journal*, 18(5).
- Abidin, C. (2017). #familygoals: Family influencers, calibrated amateurism, and justifying young digital labor. *Social Media+ Society*, 3(2), 2056305117707191
- Archer, C. (2019). How influencer 'mumpreneur' bloggers and 'everyday' mums frame presenting their children online. *Media International Australia*, 170(1), 47-56.

- Barnett, B. (2006). Medea in the media: Narrative and myth in newspaper coverage of women who kill their children. *Journalism*, 7(4), 411-432.
- Bartholet, E. (2011). Ratification by the United States of the Convention on the Rights of the Child: Pros and Cons from a Child's Rights Perspective. *The ANNALS of the American academy of political and social science*, 633(1), 80-101.
- Baxter, K., & Czarnicka, B. (2025). Sharing images of children on social media: British motherhood influencers and the privacy paradox. *PloS one*, 20(1), e0314472.
- Blum-Ross, A., & Livingstone, S. (2020). "Sharenting" parent blogging, and the boundaries of the digital self. In *Self- (re) presentation now* (pp. 70-85). Routledge.
- Chen, G. M. (2013). Don't call me that: A techno-feminist critique of the term mommy blogger. *Mass Communication and Society*, 16(4), 510-532.
- Çimke, S., Gürkan, D. Y., & Polat, S. (2018). Sosyal medyada çocuk hakkı ihlali: Sharenting. *Güncel Pediatri*, 16(2), 261-267.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.
- Cunningham, S., & Craig, D. (2017). Being 'really real' on YouTube: authenticity, community and brand culture in social media entertainment. *Media International Australia*, 164(1), 71-81.
- Dankiaer, M. S. (2018). Sharenting= good parenting?: Four parental approaches to sharenting on Facebook.
- Davidson-Wall, N. (2018, April). Mum, seriously! ": Sharenting the new social trend with no opt-out. In *2018 Debating Communities and Social Networks OUA Conference* (pp. 1-11).
- Dyer, T. (2018). The effects of social media on children. *Dalhousie Journal of Interdisciplinary Management*, 14.
- Ekinsmyth, C. (2014). Mothers' business, work/life and the politics of 'mumpreneurship'. *Gender, Place & Culture*, 21(10), 1230-1248.
- Freberg, K., Graham, K., McGaughey, K., & Freberg, L. A. (2011). Who are the social media influencers? A study of public perceptions of personality. *Public relations review*, 37(1), 90-92.
- Germic, E. R., Eckert, S., & Vultee, F. (2021). The impact of Instagram mommy blogger content on the perceived self-efficacy of mothers. *Social media+ society*, 7(3), 20563051211041649.
- Gibson, L., & Hanson, V. L. (2013, April). Digital motherhood: how does technology help new mothers?. In *Proceedings of the SIGCHI conference on human factors in computing systems* (pp. 313-322).
- Hall, W., & Irvine, V. (2009). E-communication among mothers of infants and toddlers in a community-based cohort: A content analysis. *Journal of advanced nursing*, 65(1), 175-183.
- Hopper, K. M. (2014). Looking beyond the baby bump: The role of magazine portrayals of pregnant and post-partum celebrity bodies in social comparison processes in pregnant women. *Ohio Communication Journal*, 52, 36-54.
- Jorge, A., Marôpo, L., Coelho, A. M., & Novello, L. (2022). Mummy influencers and professional sharenting. *European journal of cultural studies*, 25(1), 166-182.
- Lipu, M., & Siibak, A. (2019). 'Take it down! ': Estonian parents' and pre-teens' opinions and experiences with sharenting. *Media International Australia*, 170(1), 57-67.
- Lopez, L. K. (2009). The radical act of 'mommy blogging': redefining motherhood through the blogosphere. *New media & society*, 11(5), 729-747.

- Lupton, D., Pedersen, S., & Thomas, G. M. (2016). Parenting and digital media: from the early web to contemporary digital society. *Sociology compass*, 10(8), 730-743.
- McDaniel, B. T., Coyne, S. M., & Holmes, E. K. (2012). New mothers and media use: Associations between blogging, social networking, and maternal well-being. *Maternal and child health journal*, 16, 1509-1517.
- Meadows, S. O. (2011). The association between perceptions of social support and maternal mental health: A cumulative perspective. *Journal of Family Issues*, 32(2), 181-208.
- Moser, C., Chen, T., & Schoenebeck, S. Y. (2017, May). Parents' And Children's preferences about parents sharing about children on social media. In *Proceedings of the 2017 CHI conference on human factors in computing systems* (pp. 5221-5225).
- Nadanviová, M., & Das, S. (2020). Millennials as a target segment of socially responsible communication within the business strategy. *Littera Scripta*, 13(1), 119-134.
- Otero, P. (2017). Sharenting... should children's lives be disclosed on social media. *Arch Argent Pediatr*, 115(5), 412-413.
- Ouvrein, G. (2024). Mommy influencers: Helpful or harmful? The relationship between exposure to mommy influencers and perceived parental self-efficacy among mothers and primiparavida. *New Media & Society*, 26(4), 2295-2314.
- Ouvrein, G., & Verswijvel, K. (2019). Sharenting: Parental adoration or public humiliation? A focus group study on adolescents' experiences with sharenting against the background of their own impression management. *Children and Youth Services Review*, 99, 319-327.
- Pitts, V. (2004). Illness and Internet empowerment: writing and reading breast cancer in cyberspace. *Health*, 8(1), 33-59.
- Salmela-Aro, K., Nurmi, J. E., Saisto, T., & Halmesmäki, E. (2010). Spousal support for personal goals and relationship satisfaction among women during the transition to parenthood. *International journal of behavioral development*, 34(3), 229-237.
- Singh, S., Mondal, S., Singh, L. B., Sahoo, K. K., & Das, S. (2020). An empirical evidence study of consumer perception and socioeconomic profiles for digital stores in Vietnam. *Sustainability*, 12(5), 1716.
- Thompson, S. (2007). Mommy blogs: a marketer's dream; Growing number of well-produced sites put advertisers in touch with an affluent, loyal demo. *Advertising Age*, 78(9), 6-6.
- Wagner, A., & Gasche, L. A. (2018). *Sharenting: Making decisions about other's privacy on social networking sites* (No. 90477). Darmstadt Technical University. Department of Business Administration, Economics and Law, Institute for Business Studies (BWL).
- Webb, L. M., & Lee, B. S. (2011). CHAPTER FIFTEEN MOMMY BLOGS: THE CENTRALITY OF COMMUNITY IN THE PERFORMANCE OF ONLINE MATERNITY LYNNE M. WEBB AND BRITTNEY S. LEE. *Motherhood online*, 244.
- Xie, J., He, Z., Burnett, G., & Cheng, Y. (2021). How do mothers exchange parenting-related information in online communities? A meta-synthesis. *Computers in Human Behavior*, 115, 106631.
- Yegen, C., & Mondal, S. R. (2021). Sharenting: A new paradigm of digital entertainment of new age parenting and social media. *Digital Entertainment: The Next Evolution in Service Sector*, 213-231.
- Zappavigna, M. (2016). Social media photography: construing subjectivity in Instagram images. *Visual communication*, 15(3), 271-292.
- Zhang, Y. (2011). Constrained agency: Chinese mothers blogging their childrearing practices. *Motherhood Online*. Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing, 266-282.

■ تعیین عوامل اثرگذار بر نقش والدگری مادران بلاگر اینستاگرام در تربیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

